

این اتفاقات با تلفات جانی همراه شده است. متأسفانه در فروریزش میدان قیام یک کارگر و یک آتش نشان زیر تلی از خاک به ضخامت ۶ متر مدفون شده و جان خود را از دست دادند. شانس آوردیم که با وجود این رشتہ‌قنات‌های مخفی زیر ساختمان‌های مسکونی فروریزی نداشتیم. در اثر ارتعاشات شدید پتانسیل فروریزش در چنین عارضه‌هایی بیشتر است. بنابراین این موضوع ابعاد زلزله تهران را پیچیده و گسترده‌تر می‌کند. او افزود: «فعال در مناطق جنوبی تهران با فرونشست گسترده‌ای مواجه هستیم که در برخی از پرونده‌های زمانی سرعت آن به حدود ۲۵ سانتی‌متر در سال نیز رسیده است. براساس داده‌های کنونی (به صورت ناچاهی) این فرونشست حدود ۲۰ تا ۲۴ سانتی‌متر در سال است. یعنی زمین این مناطق در طول ۱۰ سال ۵۵ تا ۲ متر و در ۲ سال ۵ متر فرونشست کرده است. مستحذات روی این زمین در پی و دیوارها دچار آسیب‌پذیری می‌شود و با ارتعاشات متوسط لرزه‌ای دامنه بحران در تهران رایج‌تر می‌کند.» او بیان اینکه ابعاد بعد از ماجرا هم دست‌کمی از ابعاد زلزله ندارند، گفت: «به‌طور ملموس و مستقیم در طول چند ماه بعد از زلزله، پس‌لرزه‌های متعدد رخ می‌دهد و مردم به‌طور غریزی و منطقی خانه‌های خود را ترک کرده و از ترس در محیط‌های باز دنبال اسکان اضطراری می‌گردند. با توجه به مساحت کوچک، محله و امکانات اولیه رسیدگی به جمعیت با‌مانده از حادثه، گستردگی حادثه از لحاظ روحی، روانی، اقتصادی و اجتماعی مشخص می‌شود.» او با اشاره سالگرد حادثه زلزله بم، بیان کرد: «بعد از ۲۰ سال هنوز مردم بم روحیه عادی خود را نیافته‌اند. در بحث امداد و نجات و مدیریت بحران یک مؤلفه بزرگ به نام بازتوانی وجود دارد. یعنی بازتوانی روحی بازماندگان به شدت اهمیت بالاتری از رسیدگی مالی و امکانات مسکونی دارد. نیروهای امدادی که قرار است به مردم آسیب‌دیده کمک کنند خود نیز آسیب‌دیده‌اند. مگر آنها در ساختمان‌های آنچنانی هستند؟ به جز مقامات عالی‌رتبه که به دلایل منطقی و امنیتی در ساختمان‌های خاصی زندگی می‌کنند، مدیران میدانی و میانی، امدادگران و کارشناسانی که تکیه‌گاه امداد و نجات هستند خود درگیر مسائل و آسیب‌های شخصی خود می‌شوند. آنها تافته جدا بافته نیستند. بنابراین با یک صحنه‌ای مواجه خواهیم بود که فقط فروریزش ساختمان پارامتر اصلی و نهایی نیست. بسیاری از آسیب‌ها و خسارت‌ها و... متغیرهای دیگری دارد که اگر به آنها پرداخته نشود ابعاد بحران گسترده‌تر خواهد بود.» رئیس بخش زلزله‌شناسی مهندسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی گفت: «شاگردی که مشق‌های خود را نوشته باشد، شب امتحان با یک حجم انبوهی از تکالیف روبرو است و در آن شب این دانش آموز نتبل همه چیز را راه می‌کند. این منطق نباید بر رفتار مدیران و به‌ویژه مدیران بحران کشور حاکم شود و در مصاحبه‌ها از یک نوع حالت یأس و انفعال بگویند. کشورها می‌توانند در جهان هستند که از نظر خطر زلزله و جمعیت شرایطی بحرانی‌تر از ما باشند اما در حال حاضر به یک سطحی رسیدند که نگرانی از بابت رخداد زلزله ندارند؛ به این دلیل است که ما را کردیم و نمی‌خواهیم کاری را انجام دهیم و فقط سخنرانی می‌کنیم. از سوی دیگر آفت‌در وجود دارد که افراد را از فعالیتی که شروع کرده‌اند، پشیمان می‌کند. متأسفانه این شرایط پاشنه آشیل مدیریت مخاطرات طبیعی ماست. اما باید از یک نقطه شروع کنیم. معلوم نیست که زلزله چه زمانی رخ می‌دهد. اگر هر روز و هر شب برنامه‌های کاهش ریسک زلزله تهران را به‌طور جدی دنبال کنیم و با تغییر پست مسئولان این برنامه‌ها تغییر نکند و پیوستگی داشته باشد، ابعاد فاجعه در بحران کنونی نخواهد بود. وقتی شرایط خطرناک و گسترده ترسیم شود، قطعاً انگیزه‌ای برای اقدامی وجود نخواهد داشت. این دیدگاه باید درست شود و باید از جایی کارها را شروع کنیم.»

خفته‌ای است و هیچ تهدیدی ندارد. گسل مشا و بوئین‌زهر (که در گذشته زلزله‌ای رخ داده) نیز کانون زلزله متفاوت است.»

۵۵۰ قنات شناخته نشده و مخفی در تهران

علی بیت‌اللهی، رئیس بخش زلزله‌شناسی، مهندسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی به بررسی ابعاد مختلف زلزله تهران پرداخت و به هم‌میهن گفت: «واقعیت این است که ابعاد حادثه زلزله بزرگ در تهران چندمؤلفه‌ای است. یعنی یک تابع و یک متغیر وابسته به ساختمان‌ها نیست. آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی، فرونشست‌ها، بافت فرسوده، انفجار گاز و... در زلزله بزرگ تهران، باعث شده که دعا کنیم هیچ‌وقت این حادثه رخ ندهد. بسیار مهم است که به همه ابعاد این خطر نگاه شود نه به صورت تک‌متغیره یا ساده‌انگارانه.» او به مؤلفه ساختمان‌ها اشاره کرده و افزود: «گاه مشاهده می‌کنیم که ساختمان‌های بی‌کیفیت ساخته می‌شود و نیازی هم به مخفی‌کاری نداریم. قسمت عمده مشکل در این بخش، عدم نظارت میدانی است که در مدارک و اسناد مهندس ناظر وجود دارد اما در پروژه، این نظارت به درستی صورت نمی‌گیرد.» بیت‌اللهی با اشاره به مساحت بافت فرسوده پایتخت تأکید کرد: «نزدیک به ۲۵ درصد از یک میلیون و ۱۰۰ هزار پلاک ساختمانی موجود در تهران (پلاک‌نه واحد) در بافت فرسوده قرار دارند. ریزدانه و نفوذناپذیر بودن بافت فرسوده بسیار مهم‌تر از ساختمان‌هاست چرا که سدی است برای امداد و نجات و تلفات فاجعه در این شرایط بیشتر می‌شود. البته بافت فرسوده محتم جنوب شهر تهران نیست بلکه در شمال تهران (پای ارتفاعات) و روی حریم گسل شرقی‌های فرسوده‌ای مانند گلابدره، در فحزاد، دارآباد، تجریش، جماران و... وجود دارد. این بافت‌ها مجزا از یکدیگر اما روی نوار خط شمالی گسل شمال تهران قرار دارند که خطرپذیری بالایی دارند.»

او به شهر تهران به‌واسطه گازکشی‌های گسترده برای تامین گرما و سوخت اشاره کرده و گفت: «توانستیم انرژی حرارتی را به الکتریکی (که بی‌خطرتر است) تبدیل و استفاده کنیم. متأسفانه تهران روی یک شبکه گاز قابل اشتعال و انفجار قرار دارد که حداقل در حدود بیش از ۱۴۵ نقطه لوله‌های اصلی گاز با گسل‌های اصلی تقاطع دارند. اگر آفر باشد جابه‌جایی زمین و زلزله دهشتناکی که همه از آن صحبت می‌کنیم، رخ دهد، این مخاطره ثانوی ناشی از انفجار و حریق چقدر می‌تواند ابعاد فاجعه را گسترده‌تر کند.» رئیس بخش زلزله‌شناسی مهندسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی تأکید کرد: «علاوه بر این مخاطرات دیگری هم که داریم این است سیمای مناسبی از سرانجام یک رخداد لرزه‌ای را ترسیم نمی‌کند. یکی از این موارد پتانسیل فروریزش در تهران است. زیرساخت تهران مملو از رشتہ‌قنات‌های گسترده است که در گذشته مالکان به این قنات رسیدگی می‌کردند و قنات‌ها امر انتقال از شمال به جنوب و باغات شهری را برعهده داشتند. در حال حاضر زمین‌ها و باغات منطقه میدان توپخانه، شهری و جنوبی‌تر تبدیل به ساختمان شده‌اند و قناتی که قبلاً مالک داشتند، رها شده است. در پیمایشی که درباره قنات تهران داشتیم به‌طور متوسط از شرق به غرب تهران هر ۵۰۰ متر یک رشتہ قنات قطع می‌شود. طول شناخته‌شده این قنات‌ها ۵۵۰ کیلومتر است و حدس می‌شود به همین طول، قنات شناخته‌نشده و مخفی وجود دارد. نزدیک به ۵۰ هزار میله قنات در شهر تهران شناسایی شده و در اثر ارتعاش این حفره‌های زیرسطحی خالی دچار فروریزش شده و ابعاد فاجعه‌ای مشابه آن حادثه شهران را به وجود می‌آورند. البته برخی از



محمد رضا تقفی



سمفونی خطوط



بین‌الملل

سفیر ایران در عراق: آتش سوزی در بغداد ربطی به سفارت ایران ندارد

اتصال کردن سیم برق هیتر موجود در کانکس کارگران که در آنجا مشغول به کار بودند، رخ داده است. او گفت: آتش سوزی رخ داده بلافاصله با حضور نیروهای آتش‌نشانی مهار شد و خوشبختانه آسیب جانی به همراه نداشت. این آتش سوزی ارتباطی به سفارت ایران نداشت و در خیابان روبه‌روی سفارت ایران رخ داده است.

محمد کاظم آل صادق در گفت‌وگو با ایسنا، در ارتباط با اخبار منتشرشده از سوزی برخی از رسانه‌های عراقی مبنی بر وقوع آتش سوزی در داخل یکی از کانکس‌های نگهبانی در حیاط بیرونی سفارت ایران در منطقه الصالحیه بغداد گفت: این آتش سوزی در خیابان روبه‌روی سفارت ایران در بغداد به خاطر

ادامه از صفحه اول

از این زاویه، اسرائیل هر حرکتی در سطح جهان و منطقه را برای توقف جنگ و با آتش بس دائمی، به زیان خود و به سود حماس و ابغای بخشی از شبکه تونل‌های آن به حساب می‌آورد و درصدد مقابله با آن برمی‌آید.

در حقیقت، تنها طرفی که به‌طور مشروط اما علنی از ادامه جنگ در نوارغزه تا نبودی کامل امکانات نظامی و اداری حماس حمایت می‌کند، دولت آمریکا است. در مقابل، تنها کشوری که تمام قوا و ابزارهای خود را به کار گرفته است تا اسرائیل را وادار به پذیرش آتش بس فوری کند، ایران است. بقیه کشورهای اما هر چند از ادامه جنگ به‌طور رسمی حمایت نمی‌کنند، اقدام مؤثری هم برای خاتمه آن به عمل نمی‌آورند. در واقع، بسیاری از کشورهای عرب و اروپایی و آسیایی، نگرانی‌شان از ادامه جنگ، بیشتر ناشی از بدبینی نسبت به نیت دولت افراطی بنیامین نتانیا هو برای اشغال مجدد نوارغزه و مخالفتش با فرمول دوکشوری برای حل نهایی منازعه است و گر نه هیچ کدام منفعتی در بقای حماس و شبکه تونل‌های آن برای خود نمی‌بینند.

بدین ترتیب، جنگ در نوارغزه صورت تازه‌ای پیدا کرده است. به عبارت دیگر، معادله عمدتاً به ادامه جنگ یا توقف آن تقلیل یافته است. از نظر اسرائیل، هر طرفی که برای تحمیل آتش بس فوری و دائمی به اسرائیل در جنگ نوارغزه واقعاً اعمال فشار کند، هدفی بالقوه به شمار می‌رود! از نگاه اسرائیلی‌ها، جمهوری اسلامی گرچه خود را از خط ربه‌ارویی مستقیم کنار کشیده اما همه‌توان متحدان منطقه‌ای اش را برای تحمیل آتش بس فوری و دائمی به اسرائیل بسیج کرده و به کار گرفته است. به همین دلیل، آنها از طریق ترور سردار موسوی درصدد ارسال این پیام به تهران برآمده‌اند که ترغیب متحدان منطقه‌ای برای اجبار اسرائیل به توقف جنگ، مرز مشخصی با ربه‌ارویی مستقیم ندارد. جنوب لبنان حفر کرده و منتظر فرصت مناسبی است تا عملیاتی شبیه عملیات ۱۷ اکتبر علیه شهرک‌های شمالی اسرائیل به اجرا درآورد!

دولت اسرائیل طبق رویه معمولش در تروورهای فرامرزی، به‌طور رسمی مسئولیت حمله به محل سکونت سردار موسوی را نپذیرفته است. اما سخنان گالات نوعی پذیرش تلویحی مسئولیت این عملیات به شمار می‌رود.

گالات تهدید کرده است که «هر کس علیه اسرائیل اقدام کند، یک هدف بالقوه به شمار می‌رود و برای هیچ‌کس مصونیتی وجود ندارد.» از همان ابتدای آغاز جنگ غزه، مقام‌های اسرائیلی آن را همراه با «هزینه سنگین» برای تبره‌های خود می‌دانستند، اما به نظر می‌رسد شبکه پیچیده و نامرئی و تودر توی تونل‌های حماس در نوارغزه به شدت آنها را غافلگیر کرده است. نهادهای نظامی و امنیتی اسرائیل قاعدتاً از وجود تونل‌های زیرزمینی در نوارغزه بی‌خبر نبوده‌اند، اما حجم و گستردگی و پیشرفت و پیچیدگی آنها کاملاً خارج از حد انتظار آنها ظاهر شده است.

در حقیقت، اسرائیلی‌ها وجود و بقای هر بخش از این تونل‌ها را «تهدیدی واقعی» علیه امنیت خود تلقی می‌کنند و خود را نسبت به تکرار عملیات ۱۷ اکتبر از طریق باقیمانده آنها نگران نشان می‌دهند. به همین دلیل، به‌رغم کشتار وسیع غیرنظامیان فلسطینی و گرسنه و بی‌خانمان شدن آنان در فصل سرما، اسرائیلی‌ها از فشار سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی برای آتش بس فوری در نوارغزه به شدت عصبانی هستند و توقف جنگ را به معنای تداوم وجود بخشی از شبکه تونل‌ها و امکان استفاده از آنها برای حملات جدید می‌دانند.

اسرائیلی‌ها با مشاهده شبکه تونل‌های حماس و افزایش تلفات نظامیان خود در مقابله با نیروهای سست‌گرفته در آنها، حتی از آن بیم پیدا کرده‌اند که نکتند حزب‌الله لبنان نیز خارج از دید و اطلاعات آنها، شبکه مشابهی یا پیچیده‌تری از تونل‌ها را در مناطق تحت کنترل خود در جنوب لبنان حفر کرده و منتظر فرصت مناسبی است تا عملیاتی شبیه عملیات ۱۷ اکتبر علیه شهرک‌های شمالی اسرائیل به اجرا درآورد!



در حال نزدیک شدن به سه ماه است و توازن تلفات هم به گونه‌ای است که در تاریخ جنگ‌های اسرائیلی بی‌سابقه است. معنای این موضوع این است که حتی راهبرد جنگ و امنیت صهیونیست‌ها هم با مشکل مواجه شده است.»
فلاحت پیشدر ادامه با اشاره به وضعیت بین‌المللی و مخالفت‌های گسترده با رفتارهای اسرائیل گفت: «عمل‌آسیاست‌های افراطی صهیونیست‌ها باعث شده صهیونیسم بین‌الملل تبدیل به یک هدف جهانی شود، به‌عنوان نمونه حملاتی که علیه منافع اقتصادی صهیونیست‌ها صورت می‌گیرد، عملیاتی که علیه کشتی‌ها صورت می‌گیرد، همه این‌ها نشان‌دهنده این واقعیت است که آژانس جهانی یهود و سرمایه‌داری پشتوانه آن، هیچ جای دنیا از امنیت برخوردار نیست. لذا اقداماتی از این نوع نشان می‌دهد که این دیوار شیشه‌ای صهیونیست‌ها به‌طور جدی ترک برداشته است.» این استاد دانشگاه علامه طباطبایی در تشریح اهداف اسرائیل از حمله به اهداف ایرانی گفت: «هدف اسرائیل کشتادن جنگ به درگیری بین دو کشور ایران و آمریکا است؛ یعنی اتفاقاً سیاست ایران باید این باشد که جنگ را به منافع صهیونیست‌ها محدود کند. اتفاقاتی که دارد صورت می‌گیرد دو دسته است؛ یکی حملاتی که به پایگاه‌های آمریکایی در منطقه شکل می‌گیرد. این حملات بخشی از اهدافش به موضوع غزه ارتباط دارد چون آمریکایی‌ها سیاست حمایت یک‌جانبه از اسرائیل را ادامه می‌دهند و تنها کشور دنیا هستند که از جنگ اسرائیل حمایت می‌کنند؛ ولی بخش بزرگ‌تر آن ناشی از شکل‌گیری یک روند رو به رشد مقاومت در منطقه است که حضور نظامی آمریکا در منطقه مخالف روند اصل تحولات سیاسی و اقتصادی و حتی توسعه‌ای در منطقه است. بنابراین حتی اگر جنگ غزه هم تمام شود جنگ مقاومت با آمریکا تمام نمی‌شود. اسرائیلی‌ها سعی می‌کنند مجموع این شرایط به جنگ غزه محدود نماند و ایران و آمریکا را درگیر کنند و این دامی است که ایران نباید وارد آن شود. اما واقعیتی که وجود دارد این است که ایران و اسرائیل در شرایط جنگ به سر می‌برند و لذا منافع صهیونیست‌ها در هر جای دنیا اهداف مشروعی برای حملات ایران به حساب می‌رود و به شدت مقاومت در واکش به حملات اسرائیل، تا حالا از سوی ایران نوعی اغماض و تدریج غیر قابل توجیه صورت گرفته. علاوه بر این، گروه‌های مقاومتی که در منطقه وجود دارند در طول سه ماه اخیر بیش از هر زمانی به حقانیت فلسطینی‌ها و خطرناک بودن صهیونیست‌ها پی برده‌اند و افسانه‌هزستی مسالمت‌آمیز با اسرائیل در منطقه به شدت آسیب‌دیده است.»
فلاحت پیشه با بیان اینکه ایران به عنوان یک کشور در قالب منشور ملل متحد، می‌تواند همه اهداف صهیونیست‌ها را در سراسر دنیا مورد حمله قرار بدهد، گفت: «علاوه بر آن گروه‌های مقاومتی که شکل گرفته، گروه‌هایی هستند که دیگر مانع محاصره فلسطینی‌ها در قلب غزه هستند و در سراسر منطقه اسرائیل را به‌عنوان یک هدف تشخیص می‌دهند. به همین دلیل حتی اگر طرح امروز مصری‌ها مبنی بر آتش بس هم به صورت موقت پذیرفته شود، به معنای آرامش صهیونیست‌ها نیست و معتقدم به‌هیچ‌وجه رژیم صهیونیستی به آرامش سه‌ماه قبل بازمی‌گردد.»

عملیات طوفان الاقصی دانما سردرگم هستند که چه کنند و چگونه کار کنند. غزه ۹ کیلومتر عرض و ۴۰ کیلومتر طول دارد که در مجموع ۲۶۰ کیلومتر مربع است. با اینکه تعداد افراد حماس و کل جمعیت غزه مشخص است و تعداد کل رزمندگان نیز معلوم است، اما به‌خاطر آن تدابیر و آموزش‌ها، ابتکارات و خلاقیتی که به خرج داده‌اند، بعد از ۷۵ سال این گونه حماسه آفرینند. اسرائیل هنوز نتوانسته حریف آنها شود؛ صهیونیست‌ها حتی نتوانسته‌اند به آن سه هدفی که قرار داده بودند برسند که حماس را از بین ببرند، تمام مردم را به کشورهای دیگر کوچ دهند و در نهایت به تونل‌ها دست پیدا کنند.» کوثری معتقد است، این اقدامی که حماس انجام داده، یک کار بی‌نظیری بوده که نتیجه آموزشی و کمکی است که حاج قاسم در زمان حیات خودش به این‌ها داده است. حماس بسیار خوب آموزش دیده است و بسیار خوب یاد گرفته است و بسیار خوب عمل کرده است؛ این باعث شده که استخبار جهانی و صهیونیست‌ها به هم بریزند و عملیات طوفان الاقصی چه شد، بلافاصله رئیس‌جمهور آمریکا، وزیر امور خارجه‌اش و وزیر دفاع و جنگش و نخست‌وزیر انگلیس، از آلمان، از فرانسه، همه سران آمدند چرا که چیزی نمانده بود کار تمام شود و اسرائیل سقوط کند. آنها آمدند تا به‌طور دست‌وپا شکسته فعالانگهش داشتند تا اینکه بالاخره از هم پاشیده شود.»

هدف اسرائیل جنگ میان ایران و آمریکا است

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس دهم در گفت‌وگو با هم‌میهن درباره شهادت شهید سپهری، گفت: «وقتی که صحبت از محو اسرائیل مطرح می‌شود، این فعل و این اتفاق محوشدن است نه محو کردن. یعنی به‌عبارتی جریان حریدی که در طول پنجاه سال اخیر روزه‌رروز در حوزه‌های آیدئولوژی، آموزشی، سیاسی، حزبی و نظامی و امنیتی اسرائیل ریشه‌دوانده، یک‌جریان آخرالزمانی است و در روابط بین‌دولت‌ها و ملت‌ها، خودش را به هیچ‌گونه قاعده و قانون در دنیا امروز پایبند نمی‌داند و لذا این جریان است که اسرائیل را به سمت محوشدن سوق می‌دهد؛ اقداماتی که در غزه در حال انجام شدن است، اقدامات تروزیستی که اسرائیلی‌ها در سراسر دنیا انجام می‌دهند و در نهایت ترورو وابسته نظامی ایران در سوریه؛ این موارد نشان می‌دهد این رژیم عملاً روزه‌رروز رفتارهای انتحاری بیشتری را انجام می‌دهد. در این ارتباط در سطح خرد به‌عنوان نمونه در همین شهادت وابسته نظامی ایران، طبع منشور ملل متحد، ایران حق مقابله به مثل دارد و لذا به‌راحتی ایران می‌تواند آن دسته از صهیونیست‌هایی که عمدتاً سابقه اطلاعاتی، امنیتی و نظامی دارند و در نمایندگی‌های خارجی این رژیم مأمور هستند را به‌عنوان مقابله به مثل هدف قرار دهد و این حتی است که طبق منشور ملل متحد، ایران از آن بر‌خوردار است و این اسرائیل است که در درجه اول کنوانسیون وین را نقض کرده است.»
این استاد دانشگاه در ادامه با اشاره به عملیات طوفان الاقصی گفت: «در سطح کلان‌تر اتفاقی که افتاده این است که آن افسانه شکست‌ناپذیری صهیونیست‌ها عملاً با یک شکست جدی در حوزه عملی مواجه شده، جنگ غزه